



اربعین نوید خروج از عالم مدرن و ظهور تمدن دینی است

حجت الاسلام متولی امامی گفت: عقلانیت حاکم بر اربعین انسان را به زیست جدیدی دعوت می کند. اربعین را باید تمرین زندگی بیرون از عالم مدرن و ذیل هدایت امام معصوم دانست.

حجت الاسلام متولی امامی گفت: عقلانیت حاکم بر اربعین انسان را به زیست جدیدی دعوت می کند. اربعین را باید تمرین زندگی بیرون از عالم مدرن و ذیل هدایت امام معصوم دانست.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: پیاده روی اربعین یک زیارت فردی نیست. شیعیان هر سال تمرین می کنند که بیرون از فرهنگ مدرن یک نوع زندگی را تمرین کنند و آماده خروج از عالم مدرن شوند. لذا نباید اربعین را در یک مقیاس خرد زیارت فردی تحلیل کرد. در واقع اربعین را باید تمرین زندگی بیرون از عالم مدرن دانست. انگار امام معصوم در تاریخ می دیده که در عصر غیبت و در دوران ظلمت و شهوت، اربعین و مراجعه به کربلا باعث انفتاح تاریخ مهدوی و خروج از عالم مادی است.

برای بررسی این موضوع و بحث در مورد ظرفیت های تمدنی اربعین به سراغ حجت الاسلام متولی امامی رفتیم. متن زیر مشروح مصاحبه مهر با این کارشناس دینی است.

*اربعین در زمانه ای که ابزار تکنولوژیک بر زندگی غلبه یافته و زندگی انسانی تحت تاثیر ظواهر تمدن غرب قرار گرفته چطور قابل تحلیل است؟

اربعین می تواند یک زمینه و تمرین و گشایش تاریخ جدید باشد و این را نوید می دهد که انسان ها می توانند بیرون از وضعیت فرهنگی امروز و تمدن مدرن، زندگی کنند

اربعین می تواند یک زمینه و تمرین و گشایش تاریخ جدید باشد و این را نوید می دهد که انسان ها می توانند بیرون از وضعیت فرهنگی امروز و تمدن مدرن، زندگی کنند. به نظر می رسد اربعین در دو سطح قابل تحلیل است. یکی اینکه انسان ساز است و دیگری تاریخ ساز.

انسان سازی پدیده اربعین در مقیاس فردی به این معناست که اربعین نویدگر یک سبک زندگی جدید پیش روی انسان است که با اصول زیست انسان مدرن هماهنگ نیست.

اربعین تداوم فضای معنوی جبهه ها در محیطی غیر از جنگ و خونریزی است. امام می فرمود جبهه کارخانه آدم سازی است. اربعین در مقیاس بزرگ تری کارخانه آدم سازی است به این معنا که در محیطی که در انقلاب اسلامی بعد از چند دهه بسط پیدا کرده است، این کارخانه آدم سازی در عرصه بین المللی ظهور کرده و انسان ها را در یک محیط جدیدی تربیت می کند.

لذا این نویدگر یک سبک زندگی جدید است که در این سبک زندگی مثل جبهه های جنگ سودمحوری و لذت و شهوت مطرح نیست و ایثار و فداکاری و جان نثاری برای دیگران و همچنین امام گرایی و ولایت مداری به اوج می رسد. ارتباط با واقعیت زندگی و واقعیت تاریخ و زندگی در بسیط ترین شرایط ظهور و بروز بین المللی پیدا می کند و یک سبک زندگی جدیدی را پیش روی انسان قرار می دهد که این در مقیاس فردی می تواند انسان ساز باشد.

ما در حوزه سبک زندگی امروز در طرح یک سبک زندگی جدید در مقابل تمدن مدرن مشکل پیدا کرده ایم و اربعین می تواند یک الگو باشد.

پدیده اربعین نه تنها انسان ساز است بلکه تاریخ ساز است. یعنی در یک تقابل تمدنی نویدگر خروج از عالم مدرن و ظهور تمدن دینی است. زائر در اینجا تبدیل به یک مصلح تاریخی شده که عزم تحول در تاریخ دارد.

زیارت در مقیاس فردی اصلاح زائر و اصلاح نفس را به همراه دارد اما در حماسه اربعین اصلاح یک تاریخ مطرح شده است. در واقع کسی که در پیاده روی اربعین قدم می گذرد از روزمره گی خود خارج می شود تا تجلی امام در تاریخ باشد.

بنابراین کسی که در این پدیده نقش آفرینی می کند قبلا دل سپرده سیدالشهدا شده و حالا برای تجلی نور امام معصوم و نور

ولایت در تارک تاریخ و مقیاس جهانی در حال واسطه‌گری است. او واسطه‌ای برای تجلی امام معصوم در تاریخ است.

متفکرین دنیای پست مدرن به یک ناامیدی عجیبی دچار شدند و این ناامیدی هیچ نسخه‌ای برای گذار از دوران مدرن پیش روی خود نمی‌بینند.

اربعین می‌تواند نویدگر خروج از دنیای مدرن باشد ولو اینکه به اسم شیعه نباشد. ما می‌توانیم در بستر اربعین رسم شیعه را به جهان صادر کنیم ولو اینکه اسم شیعه مطرح نشود. حتی در اهل سنت و جهان غرب می‌توانیم چنان تاثیری داشته باشیم که رسم شیعه به عنوان سبک زندگی بیرون از عالم مدرن تمرین شود و دیده شود و الگو قرار بگیرد.

اینکه در روایت داریم ثواب چنین زیارتی برابر با آزاد کردن هزار بنده است در واقع به این معناست که اربعین می‌تواند هزاران انسان را از جهالت و غفلت و شهوت بیرون ببرد.

در واقع در این روایت بر آزادی‌بندگان و برده‌هایی تاکید شده است که در مقیاس تمدن مادی اسیر دنیای مدرن و دنیای تکنیک شده‌اند.

روایتی که از امام صادق نقل شده این است که «کسی که با معرفت به زیارت امام حسین برود زیارت او معادل آزاد کردن هزار بنده است.» در روایت دیگری داریم «زائر هر قدمی که در این راه برمی‌دارد، ثواب آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل را دارد.» سبک زندگی اربعین می‌تواند الگویی برای جهانیان در جهت آزاد کردن بندگان و بردگان دنیای مدرن باشد.

اربعین در وجه دیگری حتی می‌تواند نویدی برای شیعیان باشد که در مقیاسی بین المللی انقلاب اسلامی و حرکت شیعه در طول تاریخ را و همچنین ملت‌ها و فرهنگ‌ها و جریان‌های مختلف اسلامی را به همگرایی برساند و یک قطره‌ای از دریای عصر مهدوی را نشان دهد که چگونه فرهنگ‌ها و ملت‌ها و جریان‌های مختلف در سطح بین المللی می‌توانند ذیل سایه امام معصوم به یک همگرایی برسند.

*در این مقیاس تمدنی که شما به آن اشاره کردید چگونه می‌توان اربعین را تحلیل کرد؟

پدیده اربعین دارای سطوح مختلفی است که همه این سطوح قابل تحلیل برای ایجاد زمینه برای ظهور تمدن اسلامی است. نباید این پدیده را تک بعدی نگاه کرد. تمام سطوحی که یک تمدن اسلامی برای ظهور و بروز به آن نیاز دارد در پدیده اربعین قابل مشاهده است.

حماسه اربعین دلالت‌های مختلفی دارد که این دلالت‌ها قابل تحلیل و بسط پیدا کردن در عرصه بین المللی است. البته این هنوز به معنای ظهور عینی این دلالت‌ها نیست ولی قابل تداوم است.

دلالت اول، دلالت سیاسی باشد. پدیده اربعین همگرایی جهان تشیع در مقابل جریان تکفیری است که امروز در عرصه منطقه فعالیت می‌کنند. همچنین این پدیده در مقابل تفکر سیاسی دنیای مدرن است که ندای سکولاریسم و جدایی دین را از حوزه اجتماع، بین الملل و عرصه زندگی مردم دارد. این دلالت سیاسی خواه ناخواه تداوم انقلاب اسلامی در عرصه بین الملل است و تقویت جبهه انقلاب اسلامی در حوزه منطقه علیه تمدن غرب است.

دلالت نظامی این قصه وجه دیگر تحلیل ما در مورد اربعین است به این معنا که در اربعین جریان‌های مختلف جهان اسلام گرد هم آمده‌اند و این خود می‌تواند یک رزمایش نظامی علیه جریان‌های تکفیری و جریان‌های زیاده‌خواه غرب باشد.

طبق آیه قرآن «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ» کلمه «ترهبون» به این دلالت دارد که دشمنان خواه ناخواه از این پدیده به وحشت خواهند افتاد. این جمعیت عظیم بزرگترین نماز جماعت جهان اسلام را با یک هدف و با یک مسیر برگزار می‌کند. این یک وحشت عظیم در میان تکفیری‌ها و غربی‌ها ایجاد می‌کند.

در اربعین یک جمعیت میلیونی برای یاری امام جامعه جمع شده که این خود در اصطلاح علوم سیاسی به عنوان اقتدار مطرح است.

نکته بعدی در بحث دلالت نظامی این است که در زیارت جامعه و زیارت اربعین می‌خوانیم «نصرتی لکم معده» ما همه برای یاری امام معصوم جمع شده‌ایم. این نصرت یک سطح نظامی دارد که یک جمعیت میلیونی برای یاری امام جامعه جمع شده

که این خود در اصطلاح علوم سیاسی به عنوان اقتدار مطرح است. اینکه حاکم، نصرت زیادی از سوی جامعه داشته باشد.

دلالت سوم در حماسه اربعین می تواند یک دلالت اقتصادی باشد. در دنیای سرمایه داری جامعه ای که با محوریت سود و عقلانیت ابزاری در حال اداره شدن است میلیون ها انسان سود زندگی و اموال خود را بدون هیچ چشم داشتی در اختیار دیگران قرار دهند. این یک معجزه و پدیده عجیب در دنیای مدرن است.

در این دنیایی که با عقلانیت وبری اداره می شود و نظام سرمایه داری فقط به فکر جمع ثروت و پول است و ترویج مصرف گرایی را به اوج رسانده، انسان هایی هستند که در طول زندگی شان کار کرده و آن را به راحتی و بدون چشم داشتی در اختیار دیگران قرار می دهند. حتی برخی از این عراقی ها می گفتند ما فردای اربعین هیچ پولی نداریم و از صفر شروع به کار کردن می کنیم.

در روایت داریم که در سفر کربلا خوش خوراکی نکنید و با شکم گرسنه و تشنه به زیارت بروید. در قصه کربلا با اینکه روزی زیاد است ولی افراد با دست خالی به زیارت می روند. در خاک حرکت می کنند و با بسیط ترین وسایل، زندگی خود را ادامه می دهد. این در مقابل قصه رفاه طلبی و لذت طلبی دنیای مدرن است که خودش یک الگوهای فوق العاده ای را می تواند رقم بزند.

معنویت از یک سو ساختار تمدنی و جمعی پیدا کرده و از سوی دیگر این معنویت در عرصه بین المللی تجلی می کند. این امر در دیگر عبادات ما کم سابقه یا بی سابقه است که دلالت معنوی، ظهور بین المللی پیدا کند

نکته چهارم دلالت های معنوی این قصه است که معنویت از یک سو ساختار تمدنی و جمعی پیدا کرده و از سوی دیگر این معنویت در عرصه بین المللی تجلی می کند. این امر در دیگر عبادات ما کم سابقه یا بی سابقه است که دلالت معنوی، ظهور بین المللی پیدا کند.

همچنین در حوزه تحولات شخصی و درونی انسان هم تحول ایجاد می کند. شما می بینید در دنیای مدرن انسان ها با ابزارهای مدرن روزمره خود را می گذرانند. ابزارهای مدرن مانع از آمادگی روحی زائر برای مواجهه با امام معصوم است. در پیاده روی اربعین فقط زیارت مطرح نیست بلکه قصه حرکت یک زائر در یک مسیر طولانی است که ساعت ها و روزها گام برمی دارد و لحظه لحظه خود را برای مواجهه با امام آماده تر می کند.

انگار قصه زیارت نه در یک مکان به نام کربلا بلکه در یک مسیر طولانی تا کربلا رقم می خورد. این پدیده ای جدید و قابل توجهی است و یک دلالت معنوی در همه سطوح فردی و اجتماعی و تمدنی دارد.

حماسه اربعین نشان می دهد که مولفه های دینی و مراجعه به تعالیم و حیانی امری موهوم و غیرواقعی نیست بلکه قابل تحقق و تجربه است. امروز اربعین هر ساله توسعه پیدا می کند و گسترده می شود و انشالله زمینه مناسبی است برای ظهور تمدن نوین اسلامی و نوید و امیدی برای ظهور حضرت مهدی(عج) و تمدن مهدوی است.

*نگاه امت محورانه ای که در قرآن و روایات به آن اشاره شده در اربعین می تواند تجلی پیدا کند و این نوعی تمرین امت محوری و به وجود آمدن امت واحد در جهان اسلام باشد. اما پس از پیدایش نظام وستفالی و پدید آمدن دولت-ملت ها نظام امت محوری در جهان اسلام کم رنگ شد. لذا این ظرفیت در اربعین چگونه تجلی می یابد؟

پدیده اربعین یا حماسه ای که هر ساله در اربعین مشاهده می کنیم گرایش جوامع و فرهنگ های مختلف ذیل یک کلمه واحد به نام امت اسلامی است. این نقطه مقابل ناسیونالیسم و تقسیم بندی ملت ها بر اساس مرزهای قراردادی است.

انگار همه جهان اسلام و همه فرهنگ ها و سلیقه ها بدون توجه به مرزهای بین المللی و بدون توجه به ملیت های کاذبی که برای ما ایجاد کرده اند بر محور مرزی که به قول علامه طباطبائی مرزی عقیدتی است، به دور هم جمع می شوند تا همگرایی و امت گرایی را رقم بزنند و این قطعا تشکیل جبهه ای ذیل ولایت اولیای الهی در مقابل جبهه طاغوت است.

اولین اتفاقی که می افتد تحمل یکدیگر، همکاری، ایثار، محبت و عطوفت برای باقی ماندن ذیل چتر ولایت است. مطابق آیات قرآن این جنگ و افتراق باعث سستی و ضعف و تفرقه بین مسلمین خواهد شد.

اکثر مشکلات ما در همراهی با امام معصوم اختلافات و تفرقه گرایی ها بوده که استکبار جهانی میان فرق اسلامی اختلاف ایجاد می کند. اربعین در این سطح هم دلالت دارد که همه را ذیل کلمه الهی دعوت می کند تا بر محور ولایت حرکت کنند و بتوانند

تمدن سازی کنند.

*اربعین در تقابل با عقلانیت ابزاری که در غرب شاعر هستیم قرار می گیرد از نظر شما عقلانیت حاکم بر پدیده اربعین چه نوع عقلانیتی است؟

عقلانیتی که در عالم مدرن حاکم است شاید در اندیشه های وبر قابل شناسایی و مطالعه باشد. وبر می گوید شما برای خوردن شیر به داخل خانه گاو نمی آورید بلکه بیرون رفته و پاکت شیری تهیه می کنید. بعد این مثال را می آورد که ما برای ارضای نیازهای خود لازم نیست ازدواج کنیم و زن وارد خانه کنیم!

این نگاه به قدری سود محور است که نگاهش نسبت به شریک زندگی و محور عطوفت در خانه نگاهی ابزاری و سود محورانه است. عقلانیت ابزاری وبر که امروز در تمدن مادی ساختاری شده همه چیز را محاسبه می کند.

بسیاری از جامعه شناسان می گفتند که مسلمانان عقل توسعه ندارند! به این دلیل چنین حرفی می زنند که آنها همه چیز را بر اساس سود می بینند. می گفتند که مسلمانان با درآمدهایی که از کار و فعالیت های اجتماعی حاصل می کنند مثلاً به زیارت می روند و یا خرج امور مذهبی می کنند در حالی که باید پولی که به دست می آورند را سرمایه ای برای کار جدید در نظر بگیرند.

من در سفرنامه شاردن می خواندم که اصفهان در عصر صفویه و این بازاری های مسلمان اساساً عقل سود ندارند چراکه ساعت های زیادی به عبادت و تعلیم و تعلم می پردازند و بخش کوچکی از زندگی آنها تجارت و معامله است.

این مسئله در قصه اربعین دیده می شود که شاید بتوانیم بگوییم عقلانیت اقتصادی در پدیده اربعین تولید زیاد و مصرف اندک و یا تولید انبوه و رفع گرسنگی و کمک به دیگران است. این نقطه مقابل نظام اقتصادی مدرنی است که بر محور مصرف و تبلیغات انبوه قرار دارد. او تولید می کند تا جامعه زیاد مصرف کند و از این بستر سود زیادی عاید سرمایه داران شود.

در عقلانیت اربعین تولید برای یاری دیگران و حرکت جمعی است. این را در سیره امیرالمومنین می بینیم که حضرت با آنکه زیاد کار می کنند مصرف کمی دارند و در یک سطح متوسطی زندگی می کنند و بیشتر به فقرا و مستمندان کمک می کنند

در عقلانیت اربعین تولید برای یاری دیگران و حرکت جمعی است. این را در سیره امیرالمومنین می بینیم که حضرت با آنکه زیاد کار می کنند مصرف کمی دارند و در یک سطح متوسطی زندگی می کنند و بیشتر به فقرا و مستمندان کمک می کنند.

در دعا می خوانیم «وَ ارْزُقْنِي مَوْاسَاةَ مَنْ قُتِرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رَزَقِكَ بِمَا وَسَعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ» که خدایا روزی کن به من که مثل دیگران در سطح عادی زندگی کنم. در اربعین می بینیم که همه انسان ها مثل هم می شوند و مثل هم حرکت می کنند و تفاوت ها و شانیت های اجتماعی از بین می رود و این تنها در مقیاس عقلانیت دینی قابل تحلیل است.

این امر به شدت شالوده شکن عالم مدرن است چرا که عالم مدرن، توسعه دنیا بر مبنای جمع ثروت و فردگرایی و لذت بنا شده است. این عقلانیت اربعین انسان را به زیست و اقتصاد جدید دعوت می کند.

*اصالت پیاده روی در اربعین و تاکید بر «ماشیا» از چه حیثی است؟ آیا می توان نتیجه گرفت که تمدن اسلامی یک تمدن بسیط است و مظاهر تمدن مدرن در آن جایگاهی ندارد؟

تاکید بر پیاده روی را شاید بتوان از سطوح مختلفی تحلیل کرد. انسان در این مشی آمادگی روحی پیدا می کند و زمینه ای برای ملاقات امام معصوم فراهم می کند و این ارتقا و سلوک در مسیر کربلا رخ می دهد.

نکته دیگر توجه به ابزار گریزی است تا انسان خروج از راحت طلبی داشته باشد. دنیای مدرن ابزاری را ایجاد کرده که انسان روز به روز به سمت راحتی حرکت کند. البته باید توجه کرد که راحتی غیر از مفهوم آرامش است. ما به خوبی می بینیم که انسان هایی که به سمت راحتی حرکت کردند آرامش انسان سنتی را ندارند.

اتفاقاً در عالم دین شاید مفهوم محوری جامعه آرامش است. در جامعه اسلامی یک آرامش متکی بر تعالیم وحیانی حاکم می شود.

در تمدن مادی ابزارها گسترش پیدا کرده و انسان ها را به ابزارها وابسته کرده است و به تدریج این ابزارها بر انسان حاکم شده

است. روزی انسان این ابزارها را ساخت ولی امروز این ابزارها انسان را وابسته کرده است.

در پیاده روی اربعین انسان از وابستگی تکنیک و اتکا به ابزار و هر چه غیر خداست کم کم خارج می شود و شکی نیست حتی در ظهور حضرت مهدی آن چیزی که انسان، زیاده خواهانه برای لذت و رفاه بیشتر ایجاد کرده یا محو شده و یا به حاشیه می رود.